



## طلاق عاطفی ۲ برابر طلاق رسمی

خبرها تلخ است اما مگر می توان بی اعتنا از کنار آن گذشت. افزایش میزان طلاق در ۶ ماهه اول امسال در مقایسه با مدت مشابه در سال گذشته...

سلامت نیوز: خبرها تلخ است اما مگر می توان بی اعتنا از کنار آن گذشت. افزایش میزان طلاق در ۶ ماهه اول امسال در مقایسه با مدت مشابه در سال گذشته، ۲ برابر بودن میزان طلاق عاطفی نسبت به طلاق رسمی، افزایش آمار طلاق در ۴ سال اول زندگی مشترک و گسترش خانواده های نامنسجم در کشور تنها بخشی از اخبار حوزه خانواده در ایران است که به واقع تکان دهنده است. با این که بارها درباره دلایل افزایش طلاق مطالبی ارائه کرده ایم اما به نظر می رسد هم چنان ناکافی است و نپرداختن به این موضوع به صرف تکراری بودن آن، غیرمنطقی و غیرمنصفانه است. اگر خواندن این گزارش یکی از افراد جامعه یا یکی از مسئولان و متولیان حوزه خانواده در کشور را به تفکر بیشتر وادارد، بی گمان بخشی از وظیفه خود را انجام داده ایم.

### طلاق عاطفی 2 برابر طلاق رسمی

یک روان شناس خانواده با اشاره به این که هم اکنون طلاق عاطفی 2 برابر طلاق رسمی است، می گوید: طلاق عاطفی بیشتر در خانواده هایی مشاهده می شود که سال ها از زندگی مشترک آن ها گذشته است. مهدی محمدی به فارس می گوید: در حال حاضر بسیاری از همسران برای حفظ ظاهر و فرار از حرف مردم از یکدیگر جدا نمی شوند و زیر یک سقف اما به صورت جدا و بی اعتنا نسبت به هم زندگی می کنند. این در حالی است که هزینه های طلاق عاطفی برای خانواده و فرزندان بسیار بیشتر از طلاق رسمی است اما زن و مرد برای فرار از پاسخ گویی به سوالات دیگران ترجیح می دهند طلاق نگیرند. این روان شناس خانواده با بیان این که در شرایط کنونی رسانه ها به شیوه های گوناگون زندگی های خانوادگی را تحت الشعاع قرار می دهند، ادامه می دهد: پرخاشگری و درگیری دائم زن و مرد با یکدیگر این روزها توسط رسانه ها منتشر می شود در نتیجه طلاق عاطفی نوع جدیدی از زندگی است که زن و شوهر با یکدیگر زندگی می کنند اما هیچ تعلق عاطفی و تعهدی نسبت به هم ندارند. محمدی با اشاره به این که طلاق عاطفی در ایران دو برابر طلاق واقعی است و خانواده دیگر کانونی برای آرامش نیست، می گوید: طلاق عاطفی تبعات مختلف اجتماعی، فردی و اخلاقی دارد که نباید از آن غافل شد.

جوانان باید در فرآیند ازدواج و همسرگزینی دقت بیشتری کنند هم اکنون جوانانی که زندگی آن ها نویاست بیشتر به طلاق رسمی روی می آورند و طلاق عاطفی مربوط به زندگی هایی است که سال های طولانی از آن گذشته است و زن و مرد کمتر قدرت تصمیم گیری برای طلاق رسمی دارند. ضیاء هاشمی جامعه شناس نیز به فارس می گوید: افرادی که به دلیل الزامات اجتماعی نمی توانند از هم جدا شوند، به طلاق عاطفی رو می آورند به گونه ای که زن و مرد زیر یک سقف زندگی می کنند اما هیچ کاری با یکدیگر ندارند.

در حالی که خانواده در صورتی ارزشمند است که کانون آرامش باشد و از ناهنجاری اخلاقی و اجتماعی جلوگیری کند بنابراین زمانی که زن و مرد به نقطه ای برسند که احساس کنند دیگر نمی توانند به زندگی مشترک ادامه دهند نباید طلاق را برای آن ها مذبوم دانست. هاشمی با بیان این که در طلاق عاطفی رضایت، عشق و اعتماد در زندگی وجود ندارد می گوید: طلاق عاطفی تبعات اجتماعی، فردی و اخلاقی بسیاری برای زن و مرد و جامعه به همراه دارد. هم اکنون نیمی از موارد طلاق در 4 سال نخست زندگی مشترک روی می دهد که این موضوع نشان می دهد طلاق موضوعی مختص به جوانان است و این امر حاکی از وضعیت نگران کننده ازدواج در کشور است.

در زندگی هایی که سال های طولانی از آن گذشته است طلاق عاطفی بیشتر مشاهده می شود زیرا زن و مرد جسارت و قدرت کافی برای طلاق رسمی ندارند از این رو ترجیح می دهند تا به خاطر فرزندانشان زیر یک سقف زندگی کنند اما در واقع از هم طلاق گرفته اند و هیچ وابستگی و تعهدی نسبت به یکدیگر ندارند.

ازدواج سخت، طلاق آسان

همزمان کارشناسان هشدار می دهند هم اکنون ازدواج در جامعه سخت و طلاق آسان شده است هم چنین تعداد خانواده هایی که در آن پدر و مادر بی قدرت و فرزندان فاقد قدرت تصمیم گیری هستند، رو به افزایش است. به گفته تقی آزاد ارمکی جامعه شناس ازدواج در ایران به یک ماجرای بحرانی و ناهنجار تبدیل شده است و علت بسیاری از طلاق ها نیز به ازدواج نادرست بر می گردد. در ایران با موضوعی به نام ازدواج سخت و طلاق آسان مواجه شده ایم، در حالی که باید ازدواج آسان و طلاق با دقت انجام شود.

استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران با بیان این که امروزه کشور در دوره جدیدی به سر می برد که در آن طلاق تبدیل به متن زندگی افراد شده است می گوید: بنده با بسیاری از افرادی که طلاق گرفته اند صحبت کرده؛ هیچ کدام از آن ها احساس سرافکنندگی و نابودی نمی کردند و با طلاق به راحتی کنار آمده بودند. بسیاری از خانواده ها نیز از یکدیگر جدا نشده اند اما در خانه های مجزا زندگی می کنند. وی ادامه می دهد: روابط جنسی آزاد در جامعه رو به افزایش است؛ در عرصه سیاست و فرهنگ به دنبال بقای خانواده هستیم اما این موضوع در گرو افزایش ازدواج و کاهش طلاق است.

وی با اشاره به این که در جامعه ایرانی شاهد افزایش خانواده های ضعیف و سرکوب شده هستیم، می گوید: پدران و مادران بی قدرت و فرزندان بی قدرتی که قدرت تصمیم گیری ندارند، حاصل خانواده ضعیف و نامنجم هستند. بسیاری از جوانان نحوه زندگی کردن را نمی دانند بنابراین باید اصول زندگی مشترک را به آن ها بیاموزیم. زندگی اخلاقی، عقلانی و اجتماعی باید توسط روحانیون، استادان دانشگاه و رسانه ها به افراد آموزش داده شود.

#### راهکارها

به نظر می رسد همان گونه که در بحث دلایل افزایش طلاق میان کارشناسان تفاوت دیدگاه وجود دارد، درباره راه های تقویت بنیان خانواده نیز در برخی موارد دیدگاه ها یکسان نیست. به باور بیشتر کارشناسان و پژوهشگران حوزه خانواده در ایران الگوهای تربیتی اشتباه در خانواده ایرانی یکی از تاثیرگذارترین عوامل موثر در افزایش طلاق است. هر قدر آموزش مهارت های فرزندپروری را رواج دهیم و تلاش کنیم مبانی دینی را در خانواده ها پررنگ کنیم، بهتر خواهیم توانست جوانان را برای زندگی واقعی و مشکلات و چالش های پیش رو آماده کنیم. فاطمه خوش پور عضو انجمن مشاوره ضمن بیان این مطلب به فارس می گوید: فقط در سایه الگوگیری صحیح و تربیت دینی و اسلامی است که می توان فرزندان صبور که قادر به حل مشکلات خود است، تربیت کرد. هم چنین رواج خانواده های تک والد باعث شده فرزندی که در خانواده رشد می کند همواره حق به جانب باشد زیرا خانواده همواره حق را به او داده، در چنین شرایطی گذشت و صبر برای وی بی معناست و بدون دانستن الفبای زندگی، ازدواج و قدم گذاشتن در چارچوب زندگی مشترک، اغلب با شکست مواجه می شود.

هم چنین با تقویت آموزه های دینی می توان از آسیب های طلاق عاطفی در خانواده کم کرد و میزان تعهد زن و مرد را افزایش داد. هم اکنون زن و مرد نسبت به زندگی مشترک تعهد کمتری دارند و مردها در کنار همسر خود به زن دیگری هم علاقمند بوده و یا با وی در ارتباط هستند. این در حالی است که زمانی که زن مشاهده کند همسرش به زن دیگری علاقمند است یا مقابله به مثل کرده و یا دچار افسردگی می شود. زمانی که مادر دچار بیماری روحی یا افسردگی شود یا حس تعهد خود را از دست بدهد خانواده دچار فروپاشی می شود. بنابراین تقویت آموزه های دینی و رو آوردن به معنویت و اولویت دادن به اصول مهم تربیتی، اصلی است که باید بیشتر به آن توجه شود.

#### رفع بیکاری و مشکلات اقتصادی

عده دیگری از کارشناسان مشکلات ساختاری خانواده و ازدواج های دشوار و طلاق های آسان جامعه امروز ایرانی را ناشی از بیکاری و مشکلات اقتصادی می دانند. دکتر مصطفی اقلیما رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران از این دسته است. وی در گفت و گو با خراسان ضمن اشاره به جدیدترین آمار طلاق در کشور می گوید: آمار طلاق از سال گذشته تا امسال 5.5 درصد افزایش و آمار ازدواج 3.5 درصد کاهش داشته است. بنابراین بحرانی بودن وضعیت خانواده با این آمار را نمی توان کتمان کرد. همزمان تورم نسبت به سال گذشته 70 درصد افزایش داشته در صورتی که افزایش حقوق ها به میزان 10 درصد بوده است.

یعنی خانواده ها نسبت به سال قبل 60 درصد فقیرتر شده اند. در تمام دنیا گفته می شود آسیب های اجتماعی محصول مشکلات اقتصادی، فقر و بیکاری است و طلاق به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی که نه فقط زندگی فردی بلکه تمام اجتماع را تحت تاثیر قرار می دهد باید به عنوان یک معلول چند علتی مورد توجه قرار بگیرد. واقعیت این است که تمام متغیرها را گردن افراد انداختن و حذف موضوع مهمی مثل مسائل اقتصادی و تاثیر آن بر افزایش طلاق نمی تواند توجیه علمی داشته باشد. قاعده این است که حداقل میزان درآمد افراد یا یک کارگر معمولی باید بتواند کفاف حداقل مخارج زندگی امروز را بدهد اما در حال حاضر اکثر جوانان و مردم به اندازه کافی درآمد ندارند. علاوه بر آن میزان بیکاری بالاست و سالانه بیش از یک میلیون فارغ التحصیل وارد بازار می شود که درصد بسیار ناچیزی از آن ها می توانند کار مناسبی پیدا کنند. بنابراین نمی توان نقش مشکلات اقتصادی، فقر و بیکاری را در تضعیف نهاد

خانواده نادیده گرفت.

منبع: روزنامه خراسان